

دیپلماسی هیدروپلیتیک و فرصت‌های نوظهور در منطقه غرب آسیا

حبیب‌اله ابوالحسن شیرازی^۱، مرتضی سویلی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۸/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۶/۲۶

چکیده

آب ماده‌ای حیاتی و غیرقابل جایگزین است. تغییرات آب و هوایی، افزایش جمعیت و تغییر سبک زندگی موجب افزایش تقاضا برای آب و فشار بر منابع آب شیرین گردیده است. منابع آب در سراسر جهان در مرحله بحرانی است. با این حال شدت و ضعف آن در مناطق مختلف متفاوت است. مناطقی مانند خاورمیانه، ساحل در حاشیه صحرای بزرگ آفریقا و منطقه جنوب آفریقا بیشتر در معرض خطر کمبود آب هستند. به منظور شناخت وضعیت موجود و یافتن راه‌حل‌های بحران آب، هیدروپلیتیک به عنوان یک دانش جوان وارد مطالعات دانشگاهی شده است. از آنجا که حل مشکلات ناشی از کمبود آب از عهده تک‌تک کشورها بر نمی‌آید، لذا همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه و بین‌المللی در این زمینه اجتناب‌ناپذیر است. به این منظور دولت‌ها نیازمند سیاست خارجی فعال، پویا و متناسب با شرایط جدید هستند. آب مجازی از دیگر راه‌های مدیریت چالش‌های آب در قرن بیست و یکم در نواحی خشک و نیمه‌خشک به شمار می‌رود. آب مجازی به معنای واردات هوشمند مواد غذایی یا کالاهای آب‌بر، بر اساس اصل مزیت نسبی است. در این خصوص دو راهبرد کلی قابل ذکر است: ۱- واردات کالاهای آب‌بر؛ ۲- تولید کالاهای آب‌بر در مناطق پر آب با سرمایه‌گذاری مشترک کشورهای کم‌آب. این مقاله کوششی است به منظور ارائه راه‌حل‌های عملی در جهت تطبیق کشور با شرایط جدید آب و هوایی و کمبود منابع آب و از این رو دیپلماسی آب می‌تواند زمینه همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه در جهت همگرایی اجتناب‌ناپذیر باشد. در چنین شرایطی دیپلماسی واحد سیاسی مبتنی بر همکاری در زمینه چالش‌های ناشی از کمبود آب، شامل حل و فصل منازعات و در نظام بین‌المللی به مثابه فرصت نوظهور می‌شود.

واژه‌گان کلیدی: آب، هیدروپلیتیک، منازعه، سیاست خارجی، همگرایی منطقه‌ای.

۱- دانشیار گروه روابط بین‌الملل، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
habib_shirazi@yahoo.com

۲- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مقدمه

آب بخش جدایی‌ناپذیر زندگی ماست. دامنه تأثیر و نفوذ آن از نیازهای فردی روزانه تا پیچیده‌ترین فعالیت‌های صنعتی، کشاورزی و اقتصادی و همچنین فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی را شامل می‌گردد. به‌عنوان یک نیاز همیشگی، از آغاز تاریخ بشر، دسترسی به آب یک عنصر تعیین‌کننده در زندگی و کامیابی جوامع و تکامل آن از اجتماعات نخستین تا سطح ملت‌د کشورهای کنونی بوده است. به‌گواه تاریخ بسیاری از تمدن‌های بزرگ باستانی در امتداد دره‌های رودهای بزرگ مانند نیل، سند، هوانگهو (رود زرد) و دجله و فرات شکل گرفته‌اند (Hassan, 2012:23). قطع نظر از اینکه که هستیم و در چه مکانی زندگی می‌کنیم، آب یکی از اساسی‌ترین و ضروری‌ترین نیازهای ما به‌شمار می‌آید.

باوجود اینکه هیچ تردیدی در اهمیت جایگاه آب در جهان امروز وجود ندارد، بااین‌حال درک چنین جایگاهی از سوی مردم جهان فاصله بسیاری با واقعیت‌های موجود دارد. حجم آب‌های شیرین در دسترس، محدود و توزیع آن نابرابر بوده و اغلب هم مدیریت ضعیفی بر آن‌ها اعمال می‌گردد. در چنین شرایطی یک‌پنجم جمعیت جهان به آب آشامیدنی سالم دسترسی ندارند و انتظار می‌رود با شدت گرفتن تغییرات آب و هوایی و رشد جمعیت، عدم توازن فعلی در دسترسی به آب تشدید گردد (A. Hassan & Al Rashiedy, 2007: 23-37).

به‌منظور جلوگیری از تعمیق این مشکل، نیازمند رهیافت‌هایی هستیم که بر مبنای آن مسئله آب به‌صورت مسئولانه موردتوجه قرار گیرد و این رهیافت از سوی مصرف‌کنندگان بخش خصوصی، جامعه مدنی و تصمیم‌گیرندگان در مقیاس‌های محلی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی موردپذیرش قرار گیرد. ماهیت آب به‌گونه‌ای است که در یک مکان ساکن نبوده و به‌صورت جاری از جایی به‌جای دیگر تغییر مکان می‌دهد. این ویژگی در چشم‌انداز جغرافیای سیاسی جهانی موجب گردیده اختلاف، همکاری و مذاکره بر سر منابع آب، مدیریت منابع آبی، مسائل زیست‌محیطی و نقش آب در توسعه اقتصادی، بخش

جدایی‌ناپذیر تعاملات کشورها با یکدیگر و سیاست خارجی آن‌ها تلقی گردد. وجود ۲۶۱ حوضه رودخانه‌ای که در میان ۱۵۱ کشور گسترش دارند و مرزهای ملی را درمی‌نوردند تأثیر غیرقابل‌انکاری بر روابط دیپلماتیک این کشورها دارد (Eckstein, 2002: 11).

علیرغم دگرگونی‌های بی‌سابقه در صحنه جغرافیای سیاسی جهان، در بیشتر مناطق جهان آب همواره یک عنصر کلیدی در سیاست خارجی کشورها بوده است. مثال‌های متعددی از منازعات میان کشورها را می‌توان برشمرد که موضوع آن‌ها از ایجاد محدودیت بر سر منابع آب (برای مثال مورد ترکیه، عراق و سوریه) یا آلودگی آب‌های سطحی و زیرزمینی (مورد رود دانوب در اروپا) و ... را شامل می‌گردد. در مناطق خشک و نیمه‌خشک جهان از جمله منطقه غرب آسیا (خاورمیانه)، آب یکی از مسائل حیاتی به شمار می‌رود که کشورهای همسایه به‌طور جدی نیازمند همکاری و توافق در مورد آن هستند. بدون چنین فرآیندی تداوم صلح امکان‌پذیر نبوده و امنیت منطقه‌ای با تهدید روبرو می‌شود. اختلافات مرزی و ارضی، چالش‌های امنیتی و مهاجرت گروه‌های انسانی ناشی از کم‌آبی، مسائلی اساسی هستند که با آب و موضوعات فرعی مربوط به آن پیوند دارند. بحران آب در مقیاس محلی (درون کشوری) نیز می‌تواند موجب بروز تنش‌ها و منازعات گردد، برای نمونه می‌توان به تنش‌های ناشی از کمبود آب در نواحی جنوبی و مرکزی ایران از جمله خوزستان و اصفهان، نواحی نسبتاً پرآب‌تر مجاور آن در رشته‌کوه زاگرس اشاره کرد. عدم مدیریت پایدار آب توسعه کشورها را تهدید و ثبات و امنیت داخلی واحدهای سیاسی را با چالش بزرگی روبرو می‌کند. به‌طور خلاصه بحران کم‌آبی خطر منازعات را در مقیاس‌های محلی، ملی و منطقه‌ای افزایش می‌دهد. در برابر این دیدگاه نسبت بدبینانه، به‌گواه مدارک و مستندات تاریخی، کشورها در موارد متعددی به همکاری و حل‌وفصل مسالمت‌آمیز منازعات بر سر آب اقدام کرده‌اند، که تعداد آن‌ها بیشتر از جنگ و منازعه است (Wolf, 2007:27). نخستین سازمان بین‌المللی مرتبط با مسئله آب در قرن نوزدهم به‌منظور چگونگی مدیریت بر کشتیرانی در رود راین تشکیل شد. در پی آن قراردادهای و

پیمان‌ها و توافق‌نامه‌های متعددی به منظور تقسیم آب رودهای بین‌المللی میدان کشورها یا مدیریت رودهای بین‌المللی در قرن بیستم به امضاء رسید. برای نمونه می‌توان به توافق‌نامه‌های امضاء شده در مورد نحوه مدیریت و همکاری در خصوص رودهای مکونگ، سنغال، اردن، دانوب، ریوگراندا و هیرمند اشاره کرد. برای امضاء برخی از موافقت‌نامه‌ها چندین دهه (و در مورد هیرمند میدان ایران و افغانستان در حدود یک قرن) زمان صرف شده است (فخاری؛ ۱۳۷۱: ۸۴-۷۱). به‌رحال نقش این قراردادها و توافق‌نامه‌ها در جلوگیری از وقوع جنگ‌ها و منازعات، ارزش آن‌ها را در مقایسه با هزینه‌ها و امتیازات ردوبدل شده میان کشورها به اثبات می‌رساند. پراکندگی نابرابر منابع آب شیرین در کره زمین و نیاز فزاینده به آب جهت اجرای طرح‌های توسعه‌ای فشار روزافزونی به منابع آب و محیط‌زیست وارد می‌کند. تنها کمتر از ۳ درصد کل منابع آب کره زمین شیرین است و حدود ۶۳ درصد از کل منابع آب شیرین به صورت یخ در یخچال‌های قطب شمال، قطب جنوب و یخچال‌های کوهستانی، خدارا از دسترس مستقیم انسان قرار دارد. ۱۱ کشور برزیل، روسیه، چین، کانادا، اندونزی، ایالات متحده آمریکا، هند، کلمبیا و جمهوری دموکراتیک کنگو، ۶۱ درصد کل منابع شناخته شده آب شیرین را در اختیار دارند (UNESCO, 2012:36). دو عامل «تغییرات آب و هوایی» و رشد فزاینده جمعیت نیز در تشدید بحران آب و به‌طور کلی در اقتصاد سیاسی آب در جهان نقش ایفا می‌کنند.

تغییرات آب و هوایی موجب افزایش دما و در پی آن تبخیر آب و همچنین تشدید نابرابری توزیع منابع آب شیرین می‌گردد (Goldsmith, 1990:42). افزایش جمعیت نیز افزایش تقاضا و فشار به محیط‌زیست را موجب می‌شود.

با توجه به مطالب یادشده پرسش اصلی مقاله حاضر را می‌توان این‌گونه مطرح کرد که: دیپلماسی چگونه می‌تواند از طریق همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه، ضمن فراهم کردن زمینه مناسب برای تأمین آب موردنیاز جوامع در زمان و مکان مناسب، توسعه پایدار کشور را تضمین و از تشدید و تعمیق تنش‌های ناشی از فشار بیش‌ازحد به منابع آب جلوگیری

نماید؟ به عبارت دیگر با توجه به اینکه مهم‌ترین هدف سیاست خارجی هر کشور تأمین امنیت آن واحد سیاسی است (سجادپور، ۱۳۸۳: ۱). و یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های امنیت هر کشور حفظ و تداوم توسعه پایدار سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است (Kehl, 2011: 1)، سیاست خارجی چگونه و از طریق چه راهکارهایی می‌تواند زمینه تأمین آب موردنیاز برای توسعه پایدار واحدهای ملی را به گونه‌ای فراهم کند که ضمن جلوگیری از برخورد و تنش، صلح پایدار را به ارمغان آورد. در پاسخ به این پرسش فرضیه مقاله چنین عرضه می‌گردد: سیاست خارجی با استفاده از مفاهیم و داده‌های "هیدروپلیتیک آب" و "حل و فصل مسالمت‌آمیز منازعات ناشی از آن"، "آب و محیط‌زیست"، "آب و امنیت" و "درنهایت آب، فرهنگ و جامعه" می‌تواند زمینه توسعه همکاری‌های دو و چندجانبه میان کشورها که درنهایت به توسعه پایدار منتهی گردد را فراهم نماید.

۱. چارچوب مفهومی: هیدروپلیتیک

هیدروپلیتیک از جمله رشته‌های جدید دانشگاهی است که علیرغم تلاش‌های صورت گرفته از سوی صاحب‌نظران به منظور ارائه یک تصویر دقیق با چارچوب مفهومی مشخص، هنوز در مرحله ابتدایی توسعه هست. هیدروپلیتیک به عنوان یک دانش علمی مشخص، به طور عمده حاصل افزایش آگاهی نسبت به اهمیت آب و موضوعات مرتبط با آن و همچنین رشد خودآگاهی در خصوص اهمیت محیط‌زیست در کشورهای پیشرفته شمال بوده است. به دلایل فوق‌الذکر توجه بیشتر بر توسعه مفهومی این دانش از اهم ضروریات به شمار می‌رود. از هنگامی که صاحب‌نظران و پژوهشگران مطالعه مسائل مربوط به آب را آغاز کردند، به سرعت دریافتند که آب پدیده‌ای چندوجهی است. واقعیت آن است که زندگی بدون آب غیرممکن است و به همین دلیل آب منبعی بسیار ارزشمند به شمار می‌رود.

از سوی دیگر نوع بشر در هر گوشه و کناری از سطح زمین ولو با شرایط بسیار سخت و خشن طبیعی و بوم‌شناختی سکنی گزیده است. این امر یکی از مهم‌ترین دلایل پیدایش دانش هیدروپلیتیک است زیرا گروه‌های انسانی همواره بر سر منابع ارزشمند و کمیاب آب به رقابت پرداخته و با یکدیگر منازعه می‌کنند.

این معادله بسیار ساده به نظر می‌رسد. آب ماده‌ای کمیاب و درعین حال ضروری برای حیات، سلامتی و رفاه به شمار می‌رود پس رقابت بر سر آن امری اجتناب‌ناپذیر است. نتیجه اینکه آب ماده‌ای است که همواره با قدرت سیاسی پیوند داشته است. مجموعه گزاره‌ها گویای این واقعیت است که در مطالعات مربوط به آب، باید وجوه مختلف تأثیرگذاری و تأثیرپذیری این ماده در زندگی انسان مورد توجه قرار گیرد.

بر این اساس مطالعات مربوط به آب در زمره دانش‌های بین‌رشته‌ای قرار می‌گیرد. این ویژگی سبب گردیده تا صاحب‌نظران فعال در این حوزه مطالعاتی به‌ناچار از شناخت‌شناسی و روش‌شناسی‌های گوناگونی برای درک و فهم ابعاد گوناگون آب در زندگی انسان استفاده نمایند که خود بر پیچیدگی موضوع می‌افزاید. با عنایت به جمیع مسائل مطرح شده می‌توان هیدروپلیتیک را دانش مطالعه وجوه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی آب تعریف کرد که هدف آن ارتقاء ثبات سیاسی جوامع، امنیت منطقه‌ای، کامیابی و توسعه اقتصادی و توسعه پایدار زیست‌محیطی است (kehl, 2011:1).

با نگاهی به متون و ادبیات موجود در حوزه مطالعاتی هیدروپلیتیک، چهار گرایش قابل تشخیص هستند:

۱- آب، منازعه و همکاری ۲- آب و محیط‌زیست ۳- آب و امنیت ۴- آب، جامعه و

فرهنگ. (Turton & Henwood, 2002: 13).

آب، منازعه و همکاری: نخستین گرایش در ادبیات جاری هیدروپلیتیک به موضوع منازعه و همکاری مربوط می‌شود. در متون و نوشته‌های این گرایش «دولت» به‌عنوان مقیاس (سطح تحلیل) اصلی در نظر گرفته می‌شود و مطالعات بر محور منازعه و همکاری

بر سر آب در چارچوب دولت و روابط میان دولت‌ها متمرکز است. البته استثناهایی نیز در این خصوص وجود دارد. از جمله انتقاد سواتک^۱ و واله^۲ که مقیاس (سطح تحلیل) «دولت‌محور» را به چالش کشیده‌اند (Swatuk & vale, 2000: 55). از دیگر صاحب‌نظران این گرایش می‌توان به آلان^۳ اشاره کرد. وی با انتقاد از نظریه‌های جاری در روابط بین‌الملل در خصوص منازعه بر سر منابع آب، معتقد است این نظریه‌ها نسبت به مفهوم «آب مجازی»^۴ و نقدش آن در کاهش و جلوگیری از تنش‌های آبی یا جنگ بر سر آب بی‌توجه بوده‌اند (Allan, 1999: 33).

آب و محیط‌زیست: دومین گرایشی که ادبیات هیدروپلیتیک بر آن متمرکز بوده و به سرعت در حال رشد و توسعه است و به بررسی جایگاه آب در مطالعات زیست‌محیطی به مفهوم وسیع آن می‌پردازد. به معنای دقیق کلمه، از آنجایی که آب بخش انفکاک‌ناپذیر هر اکوسیستم طبیعی است، هرگونه مطالعه علمی در خصوص آب و مسائل مربوط به آن محیط‌زیست را نیز شامل می‌گردد. از منظر صاحب‌نظران این گرایش عوامل زیست‌محیطی، منابعی کمیاب هستند که رقابت بر سر آن‌ها اجتناب‌ناپذیر است. این فرآیند به بهترین وجه از سوی گیدنز با مفهوم «رفلکسیویتی» (بازسازی زمان و فضا و بی‌مکان شدن) بازنمایی شده است (Giddens, 1990: 121).

آب و امنیت: سومین گرایش مهم مطالعاتی در هیدروپلیتیک که توجه بسیاری را به سوی خود جلب کرده، چالش‌های امنیتی رقابت بر سر منابع در حال کاهش آب است که در یک زمینه وسیع‌تر امنیت زیست‌محیطی را نیز شامل می‌گردد. این گرایش به شدت با سیاست گره‌خورده و مسئله مدیریت آب را به موضوعی امنیتی بدل کرده است. (Turton, 2001: 6) در این گرایش معنای موسع امنیت به‌ویژه تعریف ارائه شده از سوی بوزان (Buzan, 1994: 42) مورد استفاده قرار گرفته است.

آب، جامعه و فرهنگ: چهارمین حوزه مطالعاتی در هیدروپلیتیک مسائل اجتماعی و فرهنگی مرتبط با آب و موضوعات مرتبط است. به معنای دقیق‌تر در این گرایش مفهوم انتزاعی آب بیش از برداشت مادی و ملموس آن مدنظر است.

با توجه به چهار گرایش عمده مطالعاتی در هیدروپلیتیک، به وضوح آشکار می‌گردد که پیچیدگی مطالعات مربوط به آب عین‌تر در هیدروپلیتیک نیز بازتاب یافته است و در این میان مهم‌ترین مشکل ارائه تعریف‌های دقیق از مفاهیم مورد مطالعه در این شاخه نوین یاد دانش است. برای مثال الهانس هیدروپلیتیک را چندین تعریف می‌کند: «مطالعه نظام‌یافته منازعات و همکاری‌های میان دولت‌ها در خصوص منابع بین‌المللی آب» (Elhance, 218: 1997). با دقت در تعریف ارائه‌شده، می‌توان در مورد هیدروپلیتیک چنین گفت: «دانش مطالعه و بررسی منازعه و همکاری میان دولت‌ها (به‌عنوان بازیگر اصلی) بر سر منابع مشترک آب.» به این ترتیب پیوند میان سیاست خارجی و چالش‌های آب از طریق هیدروپلیتیک برقرار می‌گردد. لازم به ذکر است از آنجا که سیاست خارجی کامل‌تر در اختیار دولت‌هاست و بازیگر اصلی در هیدروپلیتیک نیز دولت‌ها می‌باشند، لذا از میان چهار گرایش اصلی فوق‌الذکر سه مورد آن یعنی منازعه و همکاری، محیط‌زیست و امنیت در شمول سیاست خارجی قرار می‌گیرند. بر این اساس در نوشته حاضر به چهار موضوع در قالب سده عنوان اشاره می‌گردد که عبارت‌اند از: ۱- آب و صلح و امنیت ۲- آب و محیط‌زیست ۳- آب، امنیت غذایی و آب مجازی.

۲- چالش‌های آب و صلح و امنیت بین‌المللی

آب جایگزین ندارد و تنها ماده‌ای است که وجود آن برای تولید مواد غذایی، توسعه اقتصادی و بقای موجودات ضروری است (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۱۰۰). هر سه ویژگی فوق‌الذکر بازندگی انسان‌ها و جوامع گره‌خورده است از این رو به سادگی می‌توان نتیجه گرفت که دسترسی به آب شیرین با امنیت و ثبات جوامع انسانی رابطه‌ای تنگاتنگ دارد. عدم

دسترسی کافی به آب توسعه اقتصادی را مختل می‌کند. عدم توسعه اقتصادی یا نرخ پایین توسعه و رشد اقتصادی، امنیت غذایی، رفاه اجتماعی و اقتصادی را به مخاطره می‌اندازد و در نهایت منجر به فروپاشی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جوامع می‌گردد. لذا نخستین ماده حیاتی برای آغاز و تداوم رشد و توسعه اقتصادی آب است. سهل‌الوصول‌ترین شیوه تأمین آب استفاده از منابع سطحی و زیرزمینی تجدید پذیر است و البته به دلیل افزایش جمعیت جهان و بالا رفتن سطح زندگی ناشی از توسعه شاخصه‌ای انسانی، میزان سرانه آب در دسترس سال‌به‌سال کاهش می‌یابد. بر این اساس بسیاری از صاحب‌نظران معتقدند منشأ بروز جنگ‌ها و منازعات سیاسی به تدریج از منابع انرژی و معدنی به سوی منابع آب کشیده خواهد بود. نود درصد مردم جهان در کشورهایی زندگی می‌کنند که دارای منابع آب مشترک با کشورهای دیگر هستند (بیران و هنر بخش، ۱۳۸۷: ۱). بدون در نظر گرفتن منابع آب زیرزمینی مشترک، این تعداد جمعیت در ۲۶۱ حوضه رودخانه‌ای بین‌المللی به سر می‌برند (Nakalenikova, 2009: 8). این وابستگی متقابل ممکن است موجب همکاری و صلح یا مناقشه و تنش سیاسی میدان کشورها گردد (نخستین گرایش مطالعاتی هیدروپلیتیک). بیشتر منابع مشترک آب با مسالمت و از طریق دیپلماسی دوجانبه یا چندجانبه مدیریت می‌شوند. در طول نیم‌قرن تا سال ۲۰۰۶، ۳۷ مورد خشونت بین کشورها بر سر آب گزارش شده و جالب آن‌که همه آن‌ها به جز ۳ مورد به خاورمیانه مربوط می‌شده است (بیران و هنر بخش، ۱۳۸۷: ۱).

کوبین واتکینز از پژوهشگران سازمان ملل متحد در این باره می‌گوید: «اداره آب‌های مشترک می‌تواند عاملی برای صلح یا مناقشه گردد، لذا این تصمیم‌گیران سیاسی هستند که مسیر مناقشه یا صلح را برمی‌گزینند.» (بیران و هنر بخش، ۱۳۸۷: ۱۱) اینجا نقش و تأثیر مثبت دیپلماسی چندجانبه در برابر دیپلماسی یک‌جانبه در حل و فصل مسالمت‌آمیز مناقشات بر سر آب و همکاری تا حصول توافق به وضوح آشکار می‌گردد. دو عامل تغییرات آب و هوایی و افزایش جمعیت، بحران جهانی آب را تشدید می‌کنند. اولی با تشدید توزیع نابرابر

آب در سطح جهان و دومی با افزایش تقاضا. لذا منازعه بر سر دسترسی به منابع آب شیرین حتمی به نظر می‌رسد. با این حال برخی مناطق به دلیل شرایط جغرافیای طبیعی و انسانی ویژه، بیشتر در معرض بروز منازعه و تنش آبی قرار دارند.

۲-۱- مناطق بحران خیز آبی

کشور ما در یک موقعیت جغرافیایی نیمه‌خشک و کم آب قرار گرفته که در همین راستا چندی پیش عراقی، معاون دستگاه دیپلماسی گفت: «مفهوم دیپلماسی آب روزه‌روز جدی‌تر می‌شود و ما در جمهوری اسلامی باید توجه ویژه‌ای به دیپلماسی آب داشته باشیم.» کارشناسان امور آب پیش‌بینی می‌کنند تا سال ۲۰۳۵ تعداد کشورهای خشک افزایش می‌یابد و تنش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی بر سر این مسئله بیشتر خواهد شد.

مناطق که در طی دو دهه آینده (تا سال ۲۰۳۵) احتمال بیشتری برای بروز منازعه و تنش آبی بین‌المللی دارند عبارت‌اند از:

- ۱- منطقه ساحل در جنوب صحرای آفریقا شامل کشورهای موریتانی، سنگال، نیجر، مالی، چاد، بورکینافاسو و شمال نیجریه، شامل حوضه رودهای سنگال و نیجر.
- ۲- حوضه رود گنگ و براهماپوترا او سند شامل کشورهای هند، پاکستان، چین و بنگلادش
- ۳- حوضه رود نیل شامل ۱۱ کشور مصر، سودان، سودان جنوبی، اتیوپی، اریتره، اوگاندا، کنیا، تانزانی، رو اندا و به روندی.
- ۴- کشورهای ساحلی مدیترانه به‌ویژه سواحل جنوبی و شرقی شامل مراکش، الجزایر، تونس، لیبی، فلسطین، لبنان، سوریه و ترکیه و همچنین اسپانیا، پرتغال، ایتالیا و یونان.
- ۵- کل منطقه خاورمیانه از جمله شبه‌جزیره عربستان، عراق، سوریه، ایران، لبنان، اردن و فلسطین شامل حوضه بین‌النهرین (دجله و فرات) و حوضه رود اردن.
- ۶- حوضه رود مکونگ و دلتای آن شامل شبه‌جزیره هند و چین (کدامبوا، ویتنام، لائوس، تایلند) و کشور چین.

امروزه آب در روابط بین‌الملل به مسئله‌ای بسیار تعیین‌کننده تبدیل شده است که این معضل می‌تواند در روند مناسبات منطقه‌ای و تعاملات و تنازعات و روابط میان کشورهای منطقه تأثیرگذار باشد؛ زیرا بیش از نیمی از مساحت جهان در حوضه آبریز مشترک و در قلمرو سرزمینی دو یا چند کشور قرار دارد و از این رو بهره‌برداری از آب‌های واقع در چنین بخش‌هایی اختلاف‌برانگیز است که می‌توان آن را فرصتی مناسب برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی دانست.

امروزه، رودهای بین‌المللی در کنار کاهش منابع آبی سطحی و نیازهای روزافزون دولت‌ها به بازارهای اقتصادی رودها در حوزه‌های انرژی صنعتی و کشاورزی با افزایش جمعیت و منافع متضاد دولت‌ها به موضوعی راهبردی تبدیل شده است.

بر اساس اصل حاکمیت دولت‌ها بر قلمرو سرزمینی، که خود یکی از اصول دیرینه و مسلم در روابط بین‌الملل است، بهره‌برداری از آب‌های واقع در قلمرو سرزمینی نیز تحت حاکمیت دولت مربوطه است؛ اما از حدود این حاکمیت که از گذشته مطلق بوده و دولت‌ها در بهره‌برداری از این منابع هیچ‌گونه محدودیت کمی و کیفی را نمی‌پذیرفتند، سازمان ملل متحد از اوایل دهه ۱۹۷۰ تلاش خود را برای تبیین یک نظام حقوقی کارآمد آغاز کرده و در سال ۱۹۹۷ موفق به تصویب کنوانسیون بین‌المللی استفاده غیر کشتیرانی از رودخانه‌ها شد. در این کنوانسیون حوضه آبریز به منزله سیستم یکپارچه در نظر گرفته شده و دیگر کشورها نمی‌توانند با تکیه بر وجود رودخانه‌ای در قلمرو سرزمینی خود هرگونه که مایل باشند، در آن دخل و تصرف کنند.

پیش‌بینی شده است تا سال ۲۰۴۵ تقاضای آب در منطقه خاورمیانه به مقدار ۶۰ درصد افزایش پیدا خواهد کرد. این مقدار چشمگیر نشان‌دهنده این است که بحران آب در آینده قطعی است و مدیریت صحیح منابع آب اصلی‌ترین وظیفه کشورها و دولت‌هاست.

قاره آفریقا که در همسایگی خاورمیانه واقع است، به دلیل موقعیت جغرافیایی و عبور خط استوا از مرکز آن، بارش کافی در نواحی استوایی، برخوردار از خاک حاصل‌خیز،

فاصله مناسب با خاورمیانه (منطقه غرب آسیا) و مزیت نسبی درزمینه نیروی کار، از شرایط بسیار مناسبی در خصوص تجارت آب مجازی و مواد غذایی به صورت مستقیم و غیرمستقیم برخوردار است. در این زمینه به ویژه تجارت آب مجازی درزمینه محصولاتی چون برنج، نیشکر، علوفه و ذرت حائز اهمیت است.

زیرا با در نظر گرفتن مفهوم آب مجازی محصولاتی که قابلیت کشت آن‌ها در ایران امکان پذیر است اما به لحاظ میزان آب مصرفی دارای مزیت نسبی نیستند شامل تجارت آب مجازی می‌گردد و محصولاتی نظیر میوه‌های گرمسیری که اصولاً امکان کشت تجارتي گسترده آن‌ها در ایران نیست شامل تجارت آب مجازی نمی‌گردد.

کشورها و سرزمین‌های واقع در بین مدارهای ۱۰ درجه عرض شمالی و جنوبی در قاره آفریقا (نواحی مرکزی و غربی آفریقا) شامل گینه کوناکری، سیرالئون، غنا، ساحل عاج، توگو، لیبیا، بنین، نیجریه، کامرون، جمهوری آفریقای مرکزی، سودان جنوبی، گابن، کنگو براز اوایل، جمهوری دموکراتیک کنگو، اوگاندا، رواندا، بروندي، تانزانیا و آنگولا از شرایط مساعدی به منظور سرمایه‌گذاری درزمینه آب مجازی برخوردارند. در این زمینه می‌توان به دو کشور سیرالئون و اوگاندا اشاره کرد که از مزیت نسبی در زمینه کشت برنج و نیشکر برخوردارند کشور سیرالئون در غرب آفریقا و بین مدارهای ۷ و ۱۰ درجه عرض شمالی واقع بوده، مساحت آن ۷۳۳۲۶ کیلومتر مربع و جمعیت آن ۶/۵ میلیون نفر است. آب‌وهوای این کشور گرم و مرطوب و میانگین بارش سالانه در آن به ۴۰۰۰ میلی‌متر بالغ می‌گردد (Anwoonor – Renner, 2009: 4). این کشور شرایط بسیار مساعدی برای کشت انواع برنج و نیشکر دارد و در صورت سرمایه‌گذاری در این زمینه علاوه بر تأمین بخشی از برنج مصرفی کشور، می‌توان برای بخشی از نیروی کار ماهر تحصیل کرده در بخش کشاورزی نیز در قالب صادرات خدمات فنی و مهندسی ایجاد اشتغال کرد. نخستین تجربه در این خصوص تأسیس یک مزرعه نمونه نخل روغن به مساحت ۴۰هکتار توسط یک شرکت ایرانی در سال ۱۳۸۹ بوده است.

کشور اوگاندا در شرق آفریقا واقع است و مدار استوا از نیمه جنوبی آن عبور می‌کند. میانگین بارش در این کشور ۱۵۰۰ میلی‌متر است. در اوگاندا نیز شرایط مساعدی برای کشت محصولاتی چون نیشکر و علوفه دام وجود دارد (Collins, 2009: 22). در سال‌های گذشته قطعه زمینی به مساحت ۱۰ هزار هکتار از سوی دولت اوگاندا در اختیار کشورمان قرار گرفته است که با بسط دامنه آن می‌توان بخشی از نیازهای کشورمان به نیشکر و علوفه را تأمین کرد. در این میان وزارت امور خارجه به‌عنوان مجری سیاست خارجی دو به‌ویژه دیپلماسی اقتصادی به‌عنوان یکی از زیرمجموعه‌های آن نقش مهمی در فراهم کردن بستر مناسب جهت توسعه تجارت آب مجازی ایفا می‌کند. در این خصوص می‌توان به شناسایی کشورهای هدف، معرفی آن به بخش خصوصی فعال در زمینه کشاورزی در کشورمان و درنهایت فراهم کردن زمینه فعالیت در کشور هدف البته با توجه راهبرد امنیت غذایی و توسعه پایدار کشاورزی مبتنی بر اقتصاد مقاومتی اشاره نمود.

۳- مطالعه موردی: منابع آب ایران

ایران با استقرار در منطقه راهبردی و برخوردار از چندین رود بین‌المللی، حوضه‌های آبریز مشترک مهمی، مانند اروندرود، هیرمند، حریر رود، اترک و ارس با همسایه‌های خود عراق، افغانستان، ترکمنستان و آذربایجان دارد. سوابق تاریخی حاکم بر رودهای بین‌المللی، از جمله اروندرود، هیرمند و ارس و همچنین موافقت‌نامه و کشمکش‌های بسیار سبب شکل‌گیری و توجه روزافزون به مسئله دیپلماسی آب و جایگاه آن در مناسبات آینده با کشورهای همسایه شده است؛ از این رو دیپلماسی آب می‌تواند زمینه همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه در جهت همگرایی اجتناب‌ناپذیر باشد.

حجم خروجی از رودخانه‌های مرزی ج.ا.ایران حدود ۱۰ میلیارد مترمکعب و حجم آب‌های رودخانه‌های ورودی به کشور نیز حدود ۵-۹ میلیارد مترمکعب برآورد می‌شود که ۲ میلیارد مکعب آن از مرزهای شرقی و مابقی از مرزهای شمال غربی وارد کشور

می‌شوند. در ایران حدود ۵ هزار رودخانه کوچک و بزرگ وجود دارد که برخی از آن‌ها دائمی و برخی فصلی هستند و از این تعداد ۱۷ رودخانه بیش از ۳۰۰ کیلومتر مسافت دارد. رودخانه‌های مرزی ایران حدود ۸۹ رودخانه است که شامل ۱۷ رودخانه مشترک با کشورهای هم‌جوار، ۴ رودخانه ورودی و ۶۸ رودخانه خروجی می‌باشد.

۴ رودخانه ورودی عبارت‌اند از: ارس و اترک در شمال ایران که از ترکیه و ترکمنستان سرچشمه می‌گیرند و دو رودخانه هریرود و هیرمند در شرق کشور که سرچشمه آن‌ها افغانستان است. رودخانه‌های خروجی ایران نیز شامل: ۱۴ رودخانه که آب حدود ۵۰ رودخانه فرعی مستقیماً به دریای خزر می‌ریزند؛ ۶ رودخانه به رود ارس می‌ریزند که از مهم‌ترین آن‌ها رودخانه زن گمار است؛ ۹ رودخانه دیگر در شمال غربی و شمال شرقی کشور به کشورهای آذربایجان، ارمنستان و ترکمنستان می‌ریزند که مهم‌ترین آن‌ها رودخانه اترک با آب‌دهی سالیانه ۳۵۰ میلیون مترمکعب است؛ ۳ رودخانه لار، پیران و روتک نیز حدود ۵۰ میلیون مترمکعب آب را از ایران به پاکستان جاری می‌کنند و در نهایت ۱۸ رودخانه از غرب وارد عراق می‌شوند و علاوه بر آن ۱۷ رودخانه مشترک مرزی اعم از فصلی و دائمی نیز حدود ۱۲۲۷ کیلومتر از مرزهای ایران را تشکیل می‌دهند.

در میان کشورهای همسایه، ایران با کشور عراق دارای بیشترین پیوند توپوگرافیکی و تداخل حوضه آبریز از نظر جریانات آب‌های سطحی است و به علت قرار گرفتن ایران در بالاست و داشتن موقعیت کوهستانی، سالیانه میلیاردها مترمکعب آب به عراق جریان می‌یابد.

۳-۱- بررسی چالش‌های ج.ا.ا ایران با همسایگان خود در حوضه آبی الف: چالش‌های بهره‌برداری در شرق و شمال شرق ایران

در شمال شرق ایران، دو کشور افغانستان (در موضع بالادستی) و ترکمنستان (در موضع پایین‌دستی) قرار دارند که به دلیل قرار گرفتن در منطقه خشک و نیمه‌خشک، دچار کم‌آبی و نیازهای مشابهی هستند. در این منطقه رشد جمعیت، توزیع نامتناسب آب، منابع آبی مشترک، سیاست‌های نادرست کشاورزی، فقدان مدیریت صحیح و یکپارچه بر منابع آب و نبود موافقت‌نامه‌های بهره‌برداری مشکل را دوچندان کرده است.

برخلاف پیوندهای تاریخی، فرهنگی و جغرافیایی این سه کشور، همکاری‌های آن‌ها بر سر موضوع آب محدود بوده است. سد دوستی یکی از جلوه‌های همکاری بین دو کشور در زمینه منابع آبی مشترک است که بین ایران و ترکمنستان صورت پذیرفت. متأسفانه به دلیل عدم همکاری سه‌جانبه کشورهای ایران، ترکمنستان و افغانستان در زمان ساخت سد، اخیراً کشور افغانستان با توجه به ثبات نسبی و نیاز شدیدش به آب، در حال ساخت دو سد بر روی رودخانه هریرود است که در صورت ساخت آن‌ها به شدت بر رواناب ورودی به سد دوستی تأثیر می‌گذارد و ذخیره‌سازی، تنظیم آب و تأمین آب کشاورزی دشت سرخس را با مشکل جدی مواجه می‌کند بنابراین استفاده از آب سد دوستی برای تأمین آب شرب مشهد نمی‌تواند یک راهکار برای رفع مشکل کم‌آبی شهر مشهد باشد و باید به آب‌های زیرزمینی مرزی توجه ویژه‌ای داشت.

قراردادهای آبی مابین ایران و افغانستان از حدود ۱۳۰ سال پیش تاکنون معطوف به آب‌های سطحی به‌ویژه استفاده از آب هیرمند بوده است که سهم ایران در هر قرارداد نسبت به قبل کمتر شده است و افغانستان با استفاده از مزیت بالادست بودن، ایران را بعضاً به موضع انفعال کشانده است. لذا با توجه به استقرار حکومت باثبات در افغانستان، این کشور در جهت احیای کشاورزی خود که تنها بخش عمده‌ی اقتصادی آن است به منابع آبی نیاز بیشتری خواهد داشت.

آنچه تاکنون این کشورها در زمینه تأمین آب انجام داده‌اند بیشتر در چارچوب امنیت و منافع ملی‌شان و در قالب طرح‌هایی چون ایجاد سدهای مخزنی بوده است (راه‌حلی‌هایی

ناپایدار و کوتاه‌مدت برای حل مشکلاتی دیرپا و ماندگار) و تاکنون موردی از همکاری در زمینه ی آب‌های زیرزمینی در این سه کشور مشاهده نشده است؛ بنابراین برای جلوگیری از تشدید بحران کم‌آبی و به خطر افتادن امنیت انسانی، علاوه بر مدیریت جامع منابع آب، باید نگاه جامعی نیز به هیدروپلیتیک آب‌های سطحی و زیرزمینی در این مناطق داشت.

ب: چالش‌های بهره‌برداری در غرب و شمال غرب کشور

در بخش شمال غربی، ایران با سه کشور ارمنستان، آذربایجان و ترکیه و در غرب با کشور عراق دارای مرز مشترک است. در این منطقه پنج آبخوان مرزی وجود دارد که بزرگ‌ترین آن آبخوان تارووس/زاگرس است که بین کشورهای ایران، عراق و ترکیه مشترک است و ایران در این آبخوان در موضع بالادستی مطرح است. کل جمعیت تحت پوشش آبخوان تارووس/زاگرس برابر ۱۰۴۴ میلیون نفر است که شامل شهرهای مهمی چون دربندیخان و زاخو در عراق، گیلان غرب، قصر شیرین و سرپل ذهاب در ایران و همچنین شهرهای کوچکی در ترکیه مانند باسکوی و کاپیلی می‌باشد. در بقیه آبخوان‌های این منطقه، ایران در موضع پایین دستی مطرح است؛ بنابراین رویکردهای متفاوتی در زمینه همکاری با دیگر کشورها و مدیریت این آبخوان‌ها مورد نیاز است.

با توجه به اهمیت راهبردی کشورهای عراق و ترکیه در منطقه غرب و شمال غرب کشور، در ادامه به وضعیت این دو کشور و چالش‌های بهره‌برداری از آب‌های مرزی سطحی و زیرزمینی در این مناطق پرداخته می‌شود.

ترکیه، به‌عنوان همسایه شمال غرب ایران و اثرگذار در منطقه غرب کشور، در فضای هیدروپلیتیکی دنیا به‌عنوان یکی از کشورهای تک‌رو مطرح شده و به‌نوعی در خلاف جریان همکاری - محور جهانی برای استفاده عادلانه و منطقی بر مبنای اصل عدم اضطرار به غیر، حرکت می‌نماید؛ بنابراین با توجه به اینکه بیش از ۹۸ درصد آب کشور عراق، وابسته به

رودخانه‌های دجله و فرات و به‌طور کلی خارج از این کشور است، فراوانی طرح‌های توسعه در بالادست این حوضه و کم شدن منابع آب سطحی، وابستگی این کشور به آب‌های زیرزمینی را نیز افزایش می‌دهد.

علاوه بر موارد مذکور، کشور ایران در بیش از ۱۰ درصد کل رودخانه دجله نقش دارد که برخی اقدامات و سیاست‌گذاری‌های صورت گرفته برای مسدود کردن بخشی از آب‌های مرزی به کشور عراق نیز به‌نوبه خود بر عراق تأثیرگذار بوده است. اتخاذ سیاست‌های این‌چنینی در مورد آب‌های زیرزمینی مرزی قطعاً در درازمدت و به‌طور نامحسوس با توجه به طبیعت آب‌های مرزی، در منطقه چالش‌های جدی ایجاد می‌کند.

باید گفت که حاکم بودن رویکرد امنیتی و نگاه‌های بخشی به حوزه آب در ایران (و البته در کشورهای همسایه) منجر به تصویب طرح‌های مهار آب‌های مرزی در مجمع تشخیص مصلحت نظام و سایر نهادهای تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری در مجلس و دولت شده است؛ بنابراین این مسئله می‌تواند با یک نگاه جامع و توجه به رویکرد امنیت انسانی تا حد زیادی مرتفع شود. تلاش‌هایی در این خصوص جریان دارد.

۴. آب، محیط‌زیست و سیاست خارجی

دومین حوزه پیوند مسائل آب با سیاست خارجی، مفهوم امنیت زیست محیطی است. از آنجا که مسائل زیست‌محیطی غالب‌تر ماهیتی فرامرزی دارند، لذا مدیریت و کنترل چالش‌ها در این عرصه مستلزم همکاری‌های دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی است. در دوران جنگ سرد تعاریف واقع‌گرایانه از منافع ملی و امنیت ملی تقریباً ساده بود. هانس مورگنتا در کتاب «سیاست در میان ملت‌ها» در این خصوص نوشته است: «منافع ملی هر کشور صلح‌دوستی را تنها می‌توان در قالب امنیت ملی توصیف کرد و امنیت ملی نیز باید به‌مثابه تمامیت ارضی و حفظ نهادهای آن کشور تلقی گردد.» (مورگنتا، ۱۳۷۵: ۴۸۵). در دوران پس از جنگ سرد، چالش‌های تازه‌ای در برابر الگوهای سنتی تفکر امنیتی پدید آمد.

مفاهیمی چون منافع ملی و تمامیت ارضی معنای پیچیده‌تری یافتند و مفهوم مرزهای جغرافیایی دچار دگرگونی اساسی شد. در این میان اوضاع و شرایط زیست‌محیطی از اهمیت به‌سزایی برخوردار گردید.

حفره‌های لایه ازن، تغییرات آب و هوایی، نابودی ذخایر غذایی و آبی، بیابان‌زایی، افزایش جمعیت، جنگل‌زدایی، تغییر سطح آب دریاها و اقیانوس‌ها و اخیرتر دریاچه‌ها و بسیاری مسائل دیگر آشکارا بر منافع ملی کشورهای مختلف تأثیر می‌گذارد. چالش‌های زیست‌محیطی جهان دست‌کم دربرگیرنده شش فرآیند است.

تغییرات آب و هوایی، نازک شدن لایه ازن، آلودگی‌های هوایی، آلودگی اقیانوس‌ها و ماهیگیری بی‌رویه آبریان، جنگل‌زدایی و بیابان‌زایی و درنهایت محدودیت در ذخایر آب شیرین (دالبی، ۱۳۷۷: ۱۷۵). آب و محیط‌زیست به‌گونه‌ای پیچیده درهم‌تنیده شده‌اند و یکی بدون دیگری امکان وجود ندارد، لذا مدیریت منابع آب و محیط‌زیست نیازمند یک نگرش یکپارچه و همکاری‌های گسترده منطقه‌ای و بین‌المللی است. در همین راستا کنفرانس‌های بین‌المللی مختلفی به‌منظور ایجاد هماهنگی و همکاری میان کشورها در زمینه محیط‌زیست برگزار شد روزه اوا آن "کنفرانس زمین" در ریودوژانیرو نیروی برزیل در سال ۱۹۹۲ بدود. پس از آن کنوانسیون وین، پروتکل مونترال و موارد الحاقی در نشست‌های لندن و کپنهاگ، پیمان کیوتو برای کاهش تولید مواد مخرب لایه ازن به انجام رسیده‌اند که از آن‌ها با عنوان «دیپلماسی لایه ازن»^۱ یاد می‌شود (دالبی، ۱۳۷۷: ۱۷۷).

۵- نیاز و وابستگی متقابل عاملی برای گسترش همکاری‌های منطقه‌ای

آب منبع ناپایداری است، منبعی که بدون نیاز به اجازه نامه عبور از مرزهای سیاسی به شکل دریا، دریاچه و سفره‌های آب زیر زمینی می‌گذرد. آب‌های فرامرزی وابستگی آبی را میان مرزهای ملی گسترش داده و موجب ارتباط استفاده‌کنندگان (در کشورهای مختلف) در بهره‌برداری از سیستم مشترک می‌شود. آب به عنوان یکی از مشترکات

جهانی قلمداد می‌شود و بنابر این، بحث نیاز به اقدام اجماعی و مشترک را پیش می‌کشد. در اوایل دهه ۹۰ میلادی، عمدتاً به دلیل پایان جنگ سرد و از بین رفتن «تهدیدهای امنیتی رایج»، دغدغه‌های کمبود آب تدریجاً در دستور کار جهانی قرار گرفت که این امر نیز به نوبه خود موجب بروز برخی نظریه‌های جنجال برانگیز در سراسر جهان شده و همچنین به بحث‌های پر شوری در خصوص تأثیرات این مشکل بر استراتژی‌های حل بحران دامن زده است. مدیریت آب با مسایل امنیتی گره خورده است، پدیده‌ای که از آن به عنوان «تضمین مدیریت منابع آبی» یاد می‌کنند. این مساله حاکی از آن است که مسایل مربوط به آب «با دغدغه‌های امنیت ملی» مرتبط بوده و در نتیجه باعث می‌شود مساله از حیطه مدیریت فنی رایج خارج شده و در حیطه مسایل محرمانه و سر به مهر مقامات امنیتی قرار گیرد.

تاکید بر این نکته حایز اهمیت است که مساله‌ای به عنوان مساله امنیت بین‌المللی قلمداد می‌شود که ثابت شود از بقیه مسایل با اهمیت تر بوده و اولویت مطلق و حکم مرگ و زندگی را دارد. افزون بر این، فقط در صورت پذیرش مخاطبان ممکن است یک مساله، امنیتی تلقی شود.

کابوس تشدید رقابت برای آب میان کشورها به یک مناقشه عمومی دامن زده که موافقان و مخالفان را به دو دسته تقسیم می‌کند. کتب تخصصی در این زمینه به نگارش در آمده است که آب را مسبب بروز جنگ‌های آبی و دوران ساز میان کشورها قلمداد می‌کند. به طور مثال، «گلیک» معتقد است که آب و سیستم‌های تأمین آب احتمالاً جزو اهداف نظامی و ابزارهای جنگی خواهند بود. (Gleick, 1993: 79)

به طور مشابه، هومر دیکسون با ذکر قضیه اردن و دیگر اختلافات بر سر آب چنین نتیجه‌گیری می‌کند که «منبع تجدیدپذیری که بیشترین احتمال را برای آتش افروزی بین کشورها دارد، همان آب است» (Homer, Dixon, 1994: 19).

منازعات بر سر منابع آب زمانی به وقوع می پیوندند که کشورهای ساحلی احساس می کنند برای دستیابی به اهداف ملی خود در تنگنا قرار گرفته اند که عموماً به دلیل استفاده مشترک یک یا چند کشور ساحلی از منابع آبی است. (Phillips, 2006: 19)

تارتون معتقد است رکن اساسی ایجاد یک درک پویا در باره منازعات آب، حضور تهدید دائمی است که به عنوان متغیر میانجی در تصمیم سازی عمل می کند و در نتیجه تهدیدات را به واقعیت مرتبط می سازد. (Turton, 2003: 75) از این رو، به نظر میرسد تضمین مسایل مرتبط با آب، خطر بروز جنگ را افزایش دهد.

موسسه تحقیقات صلح بین المللی اسلو (PRIO) اخیراً تحقیقاتی به عمل آورده که ارتباط بین کمبود آب و بروز جنگ را تایید می کند. احتمال درگیری نظامی، وقتی که رودخانه ها به جای ایجاد خط مرزی از مرزها می گذرند، افزایش می یابد، زیرا این امر، مساله تعیین جهت مسیر آب رودخانه را پیش می کشد. (Toset, 2000: 971) اما برعکس برخی از نویسندگان ویژگی ایجاد جنگ را برای آب منتفی می دانند و معتقدند شواهد تاریخی دال بر این است که دولت ها همواره راه ابتکاری و مشارکتی برای مدیریت تنش های حاصل از مدیریت آب های فرامرزی یافته اند. ولف و هامنر نیز در «پایگاه اطلاعاتی اختلافات بر سر آب های آشامیدنی فرامرزی»، از ویژگی های ایجاد همکاری از طریق آبهای فرامرزی یاد می کنند. (Wolf and Hamner, 2000: 124)

اگر ایجاد تضمین باعث بروز اختلاف بر سر منابع آبی باشد، عدم تضمین سازی شاید گزینه بلند مدت ایده آلی باشد. در حقیقت، عدم تضمین سازی بر این نکته اشاره دارد که مسایل از ترتیب تهدید - دفاع پیش گفته - که در آن از تهدیداتی که مستلزم اقدامات پیشگیرانه بودند یاد شده بود - خارج شده و مسایل به حالت عادی و عمومی باز می گردد. در این باره یکی از صاحب نظران چنین استدلال می کند که عدم ایجاد تضمین در مدیریت منابع آبی، راه های حصول به توافق و سهمیه بندی منافع حاصل را پیشروی دولت ها باز می گذارد. (Daoudy, 2007: 25)

مقوله سهمیه منافع به عنوان یک ابزار و خط مشی در کنفرانس‌ها و کارگاه‌های بین‌المللی معرفی شده است. به رغم ارجاع فراوان به سهمیه بندی منافع، چنین استدلال می‌شود که «این گفته‌ها چیزی بیش از یک سری حرف‌های شعارگونه نیست» و بنابراین مقوله سهمیه بندی منافع باید به شکل چشم‌گیری توسعه یابد. (Phillips, 2006: 23)

تاکنون مفیدترین و ساده‌ترین چارچوب کلی موجود، منافع حاصل از همکاری در مورد بستر رودخانه‌های مشترک را به مقوله‌های سیاسی، اقتصادی و زیست‌محیطی تقسیم کرده است.

از این رو، میزان منازعه و مشارکت عمدتاً از انگیزه‌های کشورهای دارای ساحل مشترک قابل تشخیص است. زمانی که حفاظت از محیط زیست به هدف عمده مدیریتی تبدیل شود، می‌تواند آغازگر ایجاد نوعی از روحیه همکاری گردد که برای هر نوعی از سهمیه بندی منافع ضروری است. (Daoudy, 2007: 26) بنابراین همکاری در خصوص منابع آبی احتمالاً تأثیری فراگیر دارد، به عبارت دیگر، موجب تشویق همکاری در زمینه‌های دیگر شده و در نهایت به توسعه اقتصادی منجر می‌گردد.

در چنین شرایطی دیپلماسی واحد سیاسی مبتنی بر همکاری در زمینه چالش‌های ناشی از کمبود آب، شامل حل و فصل منازعات، همکاری‌های زیست‌محیطی با همسایگان سبب ارتقای جایگاه ایران در نظام بین‌المللی به‌مثابه فرصت نوظهور می‌شود؛ مانند روش حل بحران زغال‌سنگ در اروپا که در نهایت به پدید آمدن اتحادیه اروپا از درون پیمان بازار مشترک «ا.گ» منجر شد. به این منظور دولت‌ها نیازمند در پیش گرفتن سیاست خارجی فعال، پویا و متناسب با شرایط جدید آب‌وهوایی و جمعیتی هستند.

نتیجه گیری:

منابع آب در سراسر جهان در وضعیتی بحرانی است. با این حال وخامت این وضعیت در مناطق مختلف، متفاوت است. مناطقی مانند خاورمیانه، ساحل در حاشیه صحرای بزرگ آفریقا و منطقه جنوب آفریقا، بیشتر در معرض خطر خشک‌سالی‌های طولانی و کمبود آب هستند. افزایش سریع جمعیت و تغییرات آب و هوایی به‌علاوه مدیریت ناقص منابع آب مهم‌ترین عوامل به وجود آمدن و تشدید بحران آب به شمار می‌روند. کمبود آب در کشورهای در حال توسعه به معنای در خطر بودن جدان انسان‌هاست. به‌منظور شناخت و یافتن راه‌حل‌های علمی در خصوص بحران آب، هیدروپلیتیک به‌عنوان یک دانش جوان در دانشگاه‌های جهان وارد مطالعات آکادمیک شده است. هیدروپلیتیک در چهار حوزه منازعات و همکاری بر سر منابع آب، محیط‌زیست، امنیت و تأثیرات اجتماعی فرهنگی آب، به مطالعه پدیده آب می‌پردازد. از آنجاکه حل مسائل و مشکلات ناشی از کمبود آب از عهده تک‌تک کشورها خارج است، لذا همکاری‌های دوجانبه، چندجانبه و بین‌المللی در این زمینه اجتناب‌ناپذیر است. به این منظور دولت‌ها نیازمند در پیش گرفتن سیاست خارجی فعال، پویا و متناسب با شرایط جدید آب و هوایی و جمعیتی هستند. در چندین شرایطی سیاست خارجی واحد سیاسی مبتنی بر همکاری در زمینه چالش‌های ناشی از کمبود آب، شامل حل و فصل منازعات و همکاری، همکاری‌های زیست‌محیطی و آب مجازی مبتنی می‌گردد. آب مجازی یکی از راه‌های مدیریت چالش‌های آب در قرن بیست و یکم در نواحی خشک و نیمه‌خشک به شمار می‌رود. آب مجازی به معنای واردات هوشمند مواد غذایی یا کالاهای صنعتی بر اساس اصل مزیت نسبی است.

در این خصوص دو شیوه می‌تواند مدنظر قرار گیرد: ۱- تولید این کالاها در نواحی پر آب با سرمایه‌گذاری مشترک کشورهای کم آب ۳- در چنین شرایطی دیپلماسی واحد سیاسی مبتنی بر همکاری در زمینه چالش‌های ناشی از کمبود آب، شامل حل و فصل منازعات، همکاری‌های زیست‌محیطی با همسایگان سبب ارتقای جایگاه ایران در نظام

بین‌المللی به مثابه فرصت نوظهور می‌شود؛ مانند روش حل بحران زغال‌سنگ در اروپا که در نهایت به پدید آمدن اتحادیه اروپا از درون پیمان بازار مشترک «ا.گ» منجر شد. به‌طور کلی چالش‌هایی که دیپلماسی عمومی آب در ایران با آن روبروست به شرح زیر است:

- ۱- متعادل نمودن مصرف و بهره‌برداری منابع تجدید پذیر در نقطه بهینه در بخش‌های شهری، روستایی و صنعتی
- ۲- جلوگیری از افزایش رقابت و منازعه بر سر منابع در مقیاس ملی و منطقه‌ای
- ۳- برقراری همکاری در میان جوامع رقیب در قیاس ملی و منطقه‌ای
- ۴- برقراری همکاری بخش‌های خصوصی در کشورهای همسایه در زمینه آب و حفظ منابع ملی کشور
- ۵- بسترسازی برای حضور فعال بخش خصوصی در زمینه مدیریت آب با همکاری بخش دولتی
- ۶- برقراری تعادل میان سهم انسان و اکوسیستم طبیعی
- ۷- چگونگی مدیریت حوضه‌های آبی مشترک

پیشنهادها حوزه دیپلماسی عمومی آب به‌منظور بهره‌برداری بهینه از منابع آب تجدید پذیر:

الف- در حوزه سیاست‌گذاری

- ۱- تلاش در جهت نهادینه کردن سیاست‌گذاری علمی به‌جای تصمیم‌های سیاسی
- ۲- نهادینه کردن آمایش سرزمین
- ۳- سازگار نمودن برنامه‌های توسعه کشور با شرایط جدید اقلیمی و کم‌آبی و تکیه بر صنعت و توریسم در قبال کشاورزی
- ۴- انطباق سیاست خارجی و داخلی کشور با وضعیت جدید اقلیمی و کم‌آبی
- ۵- امنیتی کردن موضوع آب

ب- در حوزه مصرف (کلیات)

- ۱- استفاده بهینه از آب در هر سه بخش شهری، صنعتی و کشاورزی
- ۲- کاهش تلفات آب و افزایش راندمان
- ۳- اصلاح الگوی مصرف ابزارهای اقتصادی از جمله اصلاح جدید قیمت آب

ج- در حوزه مصرف (جزئیات)

- ۱- **بخش کشاورزی:** اصلاح الگوی کشت، افزایش نقش آب مجازی، کشت مشترک با همسایگان، تشویق کشت محصولات کم آب بر و ممنوعیت کشت محصولات پر آب بر، کشت هیدروپونیک با استفاده از رطوبت هوا، توسعه قنات‌ها، توسعه استفاده از فن آوری مدرن و نوین در زمینه آبیاری
- ۲- **بخش صنعت:** مکان‌گزینی صنایع بر اساس الگوی آمایش سرزمینی، جلوگیری از آلودگی آب‌های زیرزمینی سطحی با تصفیه پساب‌های صنعتی
- ۳- **بخش شهری:** جدایی آب شرب و خانگی از سایر مصارف در شهرها، توسعه سیستم فاضلاب شهری، استفاده از پساب‌ها تصفیه شده در مصارف شهری غیر شرب و کشاورزی، اصلاح الگوی مصرف و سرانه مصرف آب، برگزاری کارگاه‌های آموزشی به منظور افزایش آگاهی شهروندان از مسائل آب با استفاده از امکانات شهرداری‌ها، شورایاری‌ها و سراهای محله.

د- دیپلماسی عمومی آب:

تشویق کاربرد مدیریت یکپارچه در حوضه‌های آب‌های مشترک و فرامرزی سطحی و زیرزمینی از طریق ایجاد سازمان مشترک رودهای مرزی، گسترش همکاری میان شهرهای واقع در یک حوضه آبریز مشترک فرامرزی به منظور استفاده بهینه از آب‌های مشترک از طریق قراردادهای شهری، سازمان‌دهی بخش خصوصی در حوضه‌های آب‌های مشترک

به‌منظور ایجاد نهادهای مردمی و کمک به بخش دولتی در جهت مدیریت کارآمد حوضه‌های مشترک.

۵- انجام پروژه‌های پژوهشی در زمینه مسائل سیاسی، اجتماعی اقتصادی و مدیریتی آب به‌منظور توسعه حکمرانی آب در سطوح محلی، ملی و منطقه‌ای و ارائه مشورت‌های لازم به بخش دولتی

زمان‌بندی طرح‌های پیشنهادی دیپلماسی عمومی آب:

الف- طرح‌های کوتاه‌مدت (یک تا ۳ سال)

- ۱- امنیتی کردن موضوع آب
- ۲- ممنوعیت کشت محصولات پر مصرف
- ۳- تشویق و گسترش کشت محصولات کم‌مصرف
- ۴- اصلاح الگوی مصرف و کاهش سرانه مصرف آب
- ۵- برگزاری کارگاه‌های آموزشی به‌منظور افزایش آگاهی شهروندان با استفاده از امکانات شهرداری‌ها، سراهای محله، شوراهای شهر و دهیاری‌ها.
- ۶- گسترش همکاری میان شهرهای واقع در یک حوضه آبریز مشترک فرامرزی از طریق عقد قراردادهای خواهر شهری و ساماندهی بخش خصوصی در حوضه‌های آب‌های مشترک به‌منظور اعمال مدیریت کارآمد از طریق توسعه سازمان‌های غیردولتی
- ۷- مدیریت پساب‌های شهری و صنعتی و روستایی
- ۸- انجام پروژه‌های پژوهشی در خصوص مسائل سیاسی، اجتماعی اقتصادی، دیپلماسی و مدیریتی آب

ب- طرح‌های میان‌مدت (۳ تا ۶ سال)

- ۱- اصلاح الگوی کشت
- ۲- افزایش نقش آب مجازی

- ۳- کشت مشترک با همسایگان
- ۴- کشت هیدروپونیک با استفاده از رطوبت هوا
- ۵- توسعه قنات‌ها
- ۶- توسعه آبیاری مدرن
- ۷- جدایی آب شرب و خانگی از سایر مصارف شهری
- ۸- توسعه سیستم فاضلاب شهری در سراسر کشور
- ۹- اعمال مدیریت یکپارچه در حوضه‌های آب‌های مشترک فرامرزی از طریق ایجاد سازمان مشترک رودهای مرزی.

ج- طرح‌های بلندمدت (۶ تا ۱۰ سال)

- ۱- نهاده کردن سیاست‌گذاری علمی به‌جای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری سیاسی و منافع کوتاه‌مدت
- ۲- طراحی و اجرای کامل طرح آمایش سرزمین
- ۳- سازگار نمودن برنامه‌های توسعه کشور با شرایط جدید اقلیمی و کم‌آبی
- ۴- انطباق سیاست خارجی کشور با شرایط جدید اقلیمی و کم‌آبی
- ۵- تأمین امنیت غذایی کشور
- ۶- مدیریت یکپارچه اکوسیستم و محیط‌زیست.

منابع

- ۱) اردکانیان، رضا و سهرابی، روح اله (۱۳۸۵). «تجارت آب مجازی: ادبیات جهانی و کاربرد در ایران»، کنفرانس مدیریت منابع آب ایران، تهران.
- ۲) ببران، صدیقه و هنر بخش، نازلی (۱۳۸۷). «بحران وضعیت آب در جهان و ایران»، فصلنامه راهبرد، سال شانزدهم، شماره ۴۸، تابستان.
- ۳) بدیعی، ربیع (۱۳۷۳). جغرافیای مفصل ایران، تهران: انتشارات اقبال.
- ۴) حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۵). اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد: انتشارات پاپلی.
- ۵) دالبی، سایمون (۱۳۷۷). امنیت، اطلاعات، منافع ملی و محیط‌زیست جهانی، مجموعه مقالات اطلاعاتی - امنیتی، جلد سوم؛ تهران: دانشکده اطلاعات.
- ۶) سجادی‌پور، سید محمدکاظم (۱۳۸۳). چارچوب‌های مفهومی و پژوهشی در مطالعات سیاست خارجی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ۷) فخاری، غلامرضا (۱۳۷۱) اختلاف دولتمندان ایران و افغانستان در مورد رود هیرمند؛ تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ۸) فرشته ور، محمد؛ روغنی، بردیا و میان‌آبادی، حجت (۱۳۹۴). «چالش‌های ژئوپلیتیکی منابع آب زیرزمینی بین‌المللی با تأکید بر منابع آب مشترک ایران»، فصلنامه ژئوپلیتیک، دوره ۱۱، شماره ۳۹، پاییز.
- ۹) مورگنتا، هانس جی (۱۳۷۵) سیاست میان‌ملت‌ها، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ۱۰) عبدی، عطاءالله (۲۰۰۸). تأثیر رویکرد هیدروپلیتیک در تحول قدرت‌های فرا منطقه‌ای»، فصلنامه دفاع استراتژیک، شماره ۲۰.

- (۱۱) مختاری هشی، حسین (۱۳۹۲). «هیدروپلیتیک ایران، جغرافیای بحران آب در افق ۱۴۰۴»، فصلنامه ژئوپلیتیک، دوره ۹، شماره ۳۱، پاییز.
- (۱۲) نجفی و وطن فدا (۲۰۱۳). «مدیریت آب فرامرزی پیشرفت‌ها، راه رو به جلو در خاورمیانه؛ مطالعه موردی: مدیریت آب فرامرزی بین ایران و همسایگان»، فصلنامه ژئوپلیتیک، شماره ۴.

- 13) Awoonor - Renner, Marilyn, (2009) Visual Geography of sierra Leon: London: Evans Brothers Limited.
- 14) Allan, Tony, (1999), Global system ameliorates local droughts: waters, food and trade, SOAS occasional paper 10. London: London school of oriental and Africa studies.
- 15) Boto, Isolina, (2011), Geopolitics of food: Implications for ACP, Brussels: Briefing No 21.
- 16) Buzan, Bary, (1994), National security in post cold war third world, Institute for political studies. University of Pretoria; Pretoria.
- 17) Carles, Alexis and Petrella, Emmanuel, (2009) world water Atlas, Brussels: European Parliament: working document: DT. 4. 2009. EN.
- 18) Collins, (2009), Atlas for Uganda, London: Harper Collins Publishers.
- 19) Eckstein, Gabriel, (2002) Development of international water Law and UN watercourse convention, Washington.
- 20) Elhance, A.P. (1997), Conflict and cooperation over water in the Aral Sea basin, studies in Conflict and Terrorism 20(2).
- 21) Ercin, Ali, (2006), Social and Economic Impacts of the Southeastern Anatolia Project. A Thesis submitted to The Graduate School of Natural and Applied Sciences. Ankara: Middle East Technical University.
- 22) Evans, J.P. and Alsamavi, A. (2011). The importance of the Zagros mountain Barrier Jet to Future precipitation in the Fertile Crescent, The open Atmospheric sciences Journal, volume 5.

- 23) FAO, (2003), Agriculture, food and water, A contribution to the World Water Development Report.
- 24) Frontier economics, (2008), The concept of Virtual Water: A critical review.
- 25) Giddens, Anthony, (1990) The Consequences of Modernity, London: Polity press.
- 26) Goldsmith, Edward, (1990), 5000 days to save the planet; London: Hamlyn Publishing.
- 27) Peter, H.Gleick, Fresh water Resource and International Security, Water and Con..ict, 1993, P. 79□
- 28) Hassan, Fekri, (2012), Water: History for out time, International Hydrological Program, UNSCO.
- 29) Hassan, Hamdy, A and Al Rasheedy, Hassan, (2007) The Nile River and Egyptian Foreign Policy, African Sociological Review.
- 30) Hoekstra, Arjen. Y, (2003) Virtual Water Trade, Proceedings of the international Expert Meeting on Virtual Water Trade. Delft University: Netherlands.
- 31) Kehl, Jenny, R. (2011), Hydro political Complexes and Asymmetrical Power: Conflict, Cooperation and Governance of International River Systems, Journal of World- Systems Research, American Sociological Association, Volume 17, No I.
- 32) Kibaroglu, Aysgul. (2005), Cooperation on Turkey's Trans Boundary Waters, Status Report Commissioned by the German Federal Ministry for Environment, Nature Conservation and Nuclear safety.
- 33) Kumar, Ashok, (2006), Globalization of Water: opportunities and threats of virtual water trade. Dissertation submitted in fulfillment of the requirements of the Board for the Doctorate of Delft University. The Netherlands.
- 34) Nakalenikova, Iulio, (2009) The integrated water basin approach for the sustainable water management.
- 35) Swatuk, L.A. and Vale, P.(2000), Swimming Upstream: Water and discourse of security, University of Pretoria.
- 36) Turton, Anthony, (2001), Towards Hydro solidarity: Moving from resource capture to Cooperation and alliance. Keynote address at the Stockholm International Water Institute (SIWI)

- Symposium on Water Security for Cities, Food, and Environment. Stockholm 18 August.
- 37) Turton, Anthony and Hen wood, Roland, (2002) Hydro politics in developing world: A Southern African Perspective, Pretoria: University of Pretoria, African Water Issues Research Unit.
- 38) UNESCO, (2012) The Managing Water under Uncertainty and Risk, United Nations World Water Development Report, 4 Volume I.
- 39) Wolf, A.T. (2007) Freshwater trans boundary dispute data base, Cornvallis OR , USA, Oregon State University.
- 40) World Bank. (2011) Middle East and Northern Africa Water Outlook, Commissioned by World Bank.

